

اخبار

عضو کمیسیون انرژی مجلس مطرح کرد:

مدیریت ناصحیح در شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی

عضو کمیسیون انرژی مجلس با انتقاد از کوتاهی شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی در کنترل، نظارت و ممانعت از قاچاق سوخت، گفت: مدیریت ناصحیح مشکل اصلی در شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی است.
علی بختیار با اشاره به معضل قاچاق سوخت ، گفت: متأسفانه شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران در زمینه قاچاق سوخت پاسخگو نیست و توانسته وظایف خود را در سوخت‌رسانی مناسب و جلوگیری از قاچاق به درستی انجام دهد و کوتاهی این شرکت در ممانعت از قاچاق سوخت بسیار چشمگیر است.

کوتاهی شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران در کنترل، نظارت و ممانعت از قاچاق سوخت نماینده مردم گلپایگان و خوانسار در مجلس شورای اسلامی با تاکید بر اینکه شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران در کنترل، نظارت و ممانعت از قاچاق سوخت کوتاهی می‌کند، ادامه داد: به عنوان مثال در شهرستانی همچون گلپایگان ، مسئله قاچاق سوخت بسیار شایع است اما در مقابل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی سوخت را به کفایت در اختیار کشاورزان و افراد دارای ماشین‌آلات کشاورزی قرار نمی‌دهد.

مدیریت ناصحیح؛ مشکل اصلی در شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی/ایجاد مشکل برای CNG ها
وی با اشاره به اینکه شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی مشکلات متعددی را برای CNG ها ایجاد کرده است، به همین دلیل باید مدیریت ناصحیح را مشکل اصلی در شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی دانست.
بختیار با اعتقاد به اینکه تعامل میان جایگاه‌داران و مجموع نظام توزیع در حوزه‌های سوخت مایع، CNG ...و به‌عنوان بخش خصوصی به درستی برقرار نیست، اظهار کرد: عدم تعامل صحیح میان جایگاه‌داران و مجموع نظام توزیع گرفتاری‌های بسیاری را ایجاد کرده و میزان قاچاق گازوئیل و بنزین روز به روز در حال افزایش است. این نماینده مجلس دهم با اشاره به برندسازی جایگاه‌های توزیع سوخت توسط شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی گفت: این برندسازی به معنای واقعی صورت نگرفته چراکه برند به معنای ارائه کیفیت، خدمات و قیمت‌های متفاوت نسبت به برند رقیب است لذا ایجاد برندی که قدرت رقابت نداشته و بیشتر جنبه تکلیفی دارد تنها اسمی را برند را یدک می‌کشد و صرفا منفعی را برای افراد خاص ایجاد کرده است.

موهبتی که وزارت نفت خود را از آن بی‌بهره کرد

بانکرینگ، **حلقه مفقوده دور زدن تحریم‌ها** یا وجود موقعیت استراتژیک ایران در تنگه هرمز و قابلیت‌های بین‌المللی که این منطقه می‌تواند برای کشورمان داشته باشد، اما عدم برنامه‌ریزی صحیح و همچنین تصمیمات مدیریتی نا به جا در وزارت نفت سبب شده است که صنعت سودآور بانکرینگ هرچه بیشتر مغفول مانده و از روزهای اوج خود فاصله بگیرد. این در حالی است که رقبای منطقه‌ای آن در حال بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت موجود در منطقه خلیج فارس در صنعت بانکرینگ هستند. صنعتی که در دوران مزیت‌های بسیاری در جهت فروش هرچه بیشتر فرآورده‌های نفتی برای کشورمان ایجاد می‌کند. پالایشگاه‌های ایران به دلیل فناوری قدیمی موجود، از کل ظرفیت پالایشی خود حدود ۲۷ درصد را به نفتکوره تبدیل می‌کنند. این در حالی است که این رقم در ۱۹ اکتون برای پالایشگاه‌های کشور آمریکا و چین حدود ۳ درصد است. از طرف دیگر حجم مصرف نفتکوره (مازوت) در سال های اخیر به دلیل بهره‌برداری از فازه‌های جدید پارس جنوبی و افزایش گاز طبیعی تولید شده در کشور کاهش یافته است. ثابت ماندن حجم نفت کوره تولیدی در پالایشگاه‌ها و کاهش مصرف آن در صنایع مختلف طی سال‌های اخیر، نه تنها ایران را به بزرگترین تولید کننده نفتکوره جهان تبدیل کرده است بلکه مشکلات عدیده ای را برای پالایشگاهها از جمله کمبود مخازن ذخیره سازی، صف طولانی تانکرهای بارگیری و تخلیه، آلاینده‌گی های زیست محیطی، اقتصاد ضعیف پالایشگاه و... ایجاد کرده و با تشدید تحریم های آمریکا از ۱۳ ابان ماه سال جاری این شرایط بدتر شده است. یکی از راه های بهینه جهت خلاص شدن از این صحنه تولید نفتکوره و قاچاق فرآورده های نفتی، توسعه صنعت سوختسازی به کشتی ها (بانکرینگ) می باشد. زیرا چنانکه آمارها نشان می دهد، در هر ۱۲ دقیقه یک کشتی از تنگه هرمز عبور می کند و در مجموع سالانه بیش از ۴۳ هزار شناور در خلیج فارس و دریای عمان در حال حرکت است. از سوی دیگر، به دلیل نبود راه ایی به مناطق آسیای مرکزی و منطقه خاورمیانه، خلیج‌فارس موقعیتی ترازنیتی پیدا کرده است که این موضوع سبب عبور و مرور گسترده کشتی‌های تجاری از نقاط مختلف دنیا به این منطقه می‌شود. این وضعیت و بیانگن آن است که ظرفیت توسعه صنعت سوخت رسانی به کشتی ها از این مسیر، صرفه اقتصادی قابل توجهی برای ایران خواهد داشت. با این وجود، حدود ۷۰ درصد از کل حجم عملیاتی یعنی معادل ۷۰۰ هزار بشکه در روز برای بانکرینگ، متعلق به دو کشور عربستان و امارات متحده عربی است. این در حالی است که شرایط ایران برای فعالیت گسترده در صنعت بانکرینگ بسیار بهتر از این کشورهاست و چنانچه ایران می‌توانست بر اساس اهداف طرح جامع بانکرینگ، در حدود ۵۰ درصد از سهم بانکرینگ خلیج فارس را در اختیار داشته باشد؛ با توجه به اختلاف قیمت بانکر (خرده‌فروشی) با کارگو (عمده‌فروشی)، رازآوری این صنعت به بیش از ۱۰ میلیارد دلار می‌رسید. موضوعی که اخیرا اعتراض نمایندگان مجلس شورای اسلامی را نیز در بر داشته است و علت عدم توفیق صنعت بانکرینگ در ایران را باید در دیدگاه مدیران ارشد وزارت نفت جویند که بزبان از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۵ توسعه صنعت بانکرینگ در بنادر جنوبی کشور توسط شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی در قالب ماده (۳۱) قانون برنامه پنجم توسعه دنبال و از روندی خوبی برخوردار بود بگونه ای که متوسط فروش نفتکوره به شرکت های بانکرینگ روزانه به حدود ۱۶ میلیون لیتر رسید. لیکن با تغییراتی که در مدیریت بین الملل شرکت ملی نفت ایران در سال ۹۵ ایجاد شد و ارائه گزارشات غیرکارشناسی توسط آن مدیریتی، وزیر نفت مدیریت فروش محموله های بانکرینگ را از شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی به مدیریت بین الملل شرکت ملی نفت منتقل نمود که این تصمیم اشتباه عملا شرکت ملی فعال در این حوزه را زمین گیر و به نوعی به ورشکستگی کشید.

پیش‌بینی حدود ۶۱۲ هزار میلیارد تومان درآمد و بیش از ۵۷۳ هزار میلیارد تومان هزینه برای شرکت ملی نفت ایران در بودجه سال ۹۸، برخی را به این گمان واداشته است که چنصد هزار میلیارد تومان از بودجه سال آینده به این شرکت اختصاص می‌یابد؛ حال آن‌که دیدمی است سهم شرکت ملی نفت ایران از درآمدهای حاصل از فروش نفت، گاز و میعانات گازی تنها ۱۴٫۵ درصد است و ارقام منظور شده در جداول بودجه، با لحاظ سهم دولت و صندوق توسعه ملی است. محسن ایرانیپور، معاون برنامه رسی، امکان‌سنجی اقتصادی و مالی طرح‌های مدیریت برنامه‌ریزی تلفیقی شرکت ملی نفت ایران در این باره می‌گوید: در لایحه بودجه سال ۹۸، درآمدهای شرکت ملی نفت ایران بالغ بر ۶۱۱ هزار و ۹۱۹ میلیارد تومان محاسبه شده است که با توجه به سهم ۱۴٫۵ درصدی شرکت ملی نفت ایران از درآمدهای حاصل از نفت، گاز و میعانات گازی و اختصاص بخش عمده این درآمدها به دولت و صندوق توسعه ملی، همچنین کسر سود سهام و مالیات از درآمدهای اختصاصی این شرکت، در نهایت حدود ۶ درصد مجموع درآمدهای پیش‌بینی شده در بودجه، به این شرکت تعلق می‌گیرد.

صحت ایرانپور ناظر بر این واقعیت است که حتی سهم ۱۴٫۵ درصدی شرکت ملی نفت از درآمدهای نفتی هم به‌طور کامل محقق نمی‌شود. پیش‌تر علی‌کارد، مدیرعامل سابق شرکت ملی نفت ایران نیز اعلام کرده بود که محاسبات نشان می‌دهد سهم واقعی این شرکت از درآمدهای نفتی حدود ۸ درصد است نه ۱۴٫۵ درصد. به این ترتیب، فراموش از آن‌که از بودجه ۶۰۰ هزار میلیارد تومانی برای شرکت ملی نفت ایران خبری نیست، همین سهم ۱۴٫۵ درصدی هم با اما و اگرهایی روبه‌روست که چرایی آن در ادامه می‌آید. اما بهتر است ابتدا به سابقه سهم‌بری شرکت نفت از درآمدهای نفتی اشاره کنیم؛ مقوله‌ای که به حدود

سهم واقعی شرکت ملی نفت ایران از بودجه سال ۹۸



یک دهه قبل برمی‌گردد. به ابتدای برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه و زمانی که بحث بهره‌مالکنانه مطرح و قرار شد رابطه مالی شرکت ملی نفت ایران و دولت در قالب فرمولی تهیه و تنظیم شود.

در آن برنامه مقرر شد رابطه سهم‌بری شرکت در قانون بودجه مشخص و در بودجه‌های سنواتی برای آن تصمیم‌گیری شود. در سال‌های ابتدای برنامه تنها سهمی از درآمدهای فروش نفت خام منظور بود و میعانات گازی به‌طور کامل به شرکت ملی نفت ایران اختصاص می‌یافت، اما بعدها، میعانات گازی هم شامل قانون سهم‌بری شد. به گفته وی، پیش از تعیین درصدی از درآمد حاصل از فروش میعانات گازی برای شرکت ملی نفت ایران، سهم این شرکت از درآمدهای فروش نفت حدود ۶ تا ۷ درصد بود؛ اما با منظور کردن میعانات گازی در سهم‌بری از دولت، سهم شرکت ملی نفت ایران از درآمد فروش نفت خام و میعانات گازی به ۱۴٫۵ درصد بالغ شد. از سوی دیگر، مقرر شد تمام تعهدات بازپرداخت طرح‌های بیع متقابل که در سال‌های پیش، ردیف مستقل بودجه‌ای به آنها اختصاص داده

۹۸ سهم واقعی شرکت ملی نفت ایران از بودجه سال ۹۸

کشور است و در سنوات اخیر کمتر از یک سوم قیمت نفت خام صادراتی در هر سال بوده است. به عبارت دیگر، اگر قیمت نفت صادراتی را به‌طور میانگین ۵۰ دلار برای هر بشکه فرض کنیم که معادل ۱۴٫۵درصد آن یعنی حدود هفت دلار به شرکت نفت برسد، حداقل پنج دلا به ازای هر بشکه، بین دریافتی شرکت نفت از فروش نفت به پالایشگاه‌های داخلی و صادرات آن فاصله است. حالا در نظر بگیرید که حدود نیمی از نفت تولیدی هم به پالایشگاه‌های داخلی اختصاص می‌یابد.

از سوی دیگر بر اساس قانون، باید ۱۴٫۵ درصد درآمدهای حاصل از فروش گاز هم به شرکت ملی نفت تعلق گیرد که در آن بخش هم، دریافتی دقیقاً معادل ۱۴٫۵ درصد درآمدها نیست. شرکت ملی نفت ایران پیش از این اعلام کرده بود که دریافتی این شرکت در بودجه سال ۱۳۹۷ به ازای هر متر مکعب گاز تحویلی به شرکت ملی گاز ایران ۱۶۵ ریال است که این رقم دقیقاً معادل ۱۴٫۵ درصد ارزش آن نیست. سود سهام و مالیات را هم باید به کسورات شرکت ملی نفت ایران اضافه کرد.

در مجموع، شرکت ملی نفت ایران که طبق لایحه بودجه بودجه قرار است بیش از ۶۰۰ هزار میلیارد تومان برای کشور درآمزدایی ایجاد کند، سهمی حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان از این درآمدها خواهد داشت. این سهم در شرایط فعلی که قیمت نفت باز هم در محدوده ۵۰ دلار سیر می‌کند و هزینه‌ها رو به افزایش است، در بهترین حالت می‌تواند جوابگوی هزینه‌های جاری شرکت شود؛ واقعیتی که چندی پیش، مرکز پژوهش‌های مجلس نیز بر آن صدق گذاشت و اعلام کرد: «سهم ۱۴٫۵ درصد شرکت ملی نفت ایران از درآمدهای نفتی، صرف هزینه‌های جاری شامل حقوق و دستمزد و هزینه‌های نگهداشت تولید می‌شود و جوابگوی نیازهای سرمایه‌ای این شرکت نخواهد بود».

اما و اگرهای ابتدای برنامه تنها سهمی از درآمدهای فروش نفت خام منظور بود و میعانات گازی به‌طور کامل به شرکت ملی نفت ایران از درآمد فروش نفت خام و میعانات گازی به ۱۴٫۵ درصد بالغ شد. از سوی دیگر، مقرر شد تمام تعهدات بازپرداخت طرح‌های بیع متقابل که در سال‌های پیش، ردیف مستقل بودجه‌ای به آنها اختصاص داده

روشن شدن مشل ۲ سکوی فاز ۱۳ به‌طور همزمان ؛ گاز ترش فاز ۱۳ پارس جنوبی به‌زودی به خشکی می‌رسد

مجری طرح توسعه فاز ۱۳ پارس جنوبی از روشن شدن مشعل ۲ سکوی این فاز در آب‌های خلیج فارس به‌طور همزمان خبر داد و گفت، با آماده شدن خط اوله دریا، به‌زودی ارسال گاز به پالایشگاه خشکی آغاز می‌شود. به گزارش شرکت نفت و گاز پارس، پیام معتمد اشاره به این که ۲ سکوی فاز ۱۳ پارس جنوبی شامگاه شنبه (۱۵دی‌ماه) و کمتر از چهار روز کاری در دریا پس از آغاز عملیات هوک‌آپ و راه‌اندازی، آماده تولید شدند و رکورد بی‌سابقه‌ای را ثبت کردند، تصریح کرد: سکوی اصلی (B) و اقماری (D)، پس از پایان عملیات ساخت و نصب، با راه‌اندازی همه سیستم‌های ایمنی F&G و کنترلی و باز کردن نخستین چاه‌ها، آماده تولید شدند. وی با اشاره به روشن شدن همزمان مشعل این سکوها در سومین روز کاری سکوی ۱۲D و چهارمین روز کاری سکوی ۱۲B گفت: با راه‌اندازی کامل این دو سکوی دریایی فاز ۱۳ پارس جنوبی، تولید یک میلیارد فوت مکعب گاز ترش غنی معادل ۲۸ میلیون متر مکعب (یک فاز استاندارد) نیمی از ظرفیت کامل این طرح توسعه‌ای محقق می‌شود. معتمد از تلاش متخصصان ایرانی در راه‌اندازی همزمان دو سکوی بزرگ گاز غنی این طرح قدردانی کرد و گفت: بیش‌ک این رویداد بی‌سابقه، رکورد ماندگار در صنعت فراساحل برج‌ای می‌گذارد. بخش فراساحل فاز ۱۳ پارس جنوبی متشکل از ۳۸ حلقه چاه دریایی در بخش شمال غربی میدان مشترک پارس جنوبی است که با بهره‌برداری از این دو عرشه، نیمی از تعهدهای توسعه‌ای این طرح محقق خواهد شد.

فرصت‌ها و تهدیدهای اجرای طرح‌های انتقال آب

بلوچستان هشت لیتر در ثانیه است. او افزود: ۵۰ درصد ذخایر آب چاه نیمه‌ها کم شده و بیش از ۳۰ درصد آب سدهای جنوب استان نیز بر اثر تبخیر از بین رفته است. معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار سیستان و بلوچستان افزود: برنامه عملیاتی انتقال آب از دریای عمان به استان‌های شرقی کشور به زودی آغاز می‌شود. باقر کرد افزود: کنسرسیوم آب جنین سه استان خراسان رضوی ، خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان تشکیل می‌شود و برنامه انتقال آب از دریای عمان به این سه استان به صورت جدی پیگیری و عملیاتی خواهد شد. او گفت: سیستان و بلوچستان بر اساس شاخص‌های خشکسالی به صورت صد در صد دچار خشکسالی شده اما درجات آن در مناطق مختلف، متفاوت است. معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار خاطر نشان کرد: طبق گفته وزیر نیرو؛ امیدواریم با تشکیل کمیسهاری آب هیرمند که با حضور مقامات افغانی و تهران طی این هفته برگزار می شود، موضوع حق‌آبه هامون از طریق دیپلماسی به نتیجه برسد.

مدیریت مصرف جدی گرفته شود

یک کارشناس محیط‌زیست درباره تبعات انتقال آب در کشور می‌گوید: طرح‌های انتقال آب باید به عنوان آخرین گزینه در نظر گرفته شود. هرچند با بررسی نتایج طرح‌های انتقال آب باید گفت که این طرح نه تنها اولین گزینه نیست، بلکه آخرین گزینه است. هومان خاکپور می‌افزاید: اگر تمامی گزینه‌های مدیریت مصرف رعایت شود و بر رعایت اصول می‌توان اقدامات محیط زیستی را انجام داد. به گفته او در کشور ما طرح‌های انتقال آب به عنوان اولین گزینه است و مشکلات فراوان را در مبدأ به‌دنبال دارد. خاکپور می‌افزاید: وقتی در مصرف مدیریت وجود نداشته باشد، طبیعتا اجرای طرح‌های انتقال آب نمی‌تواند مشکلات مبدأ را حل کند. این مسئله باعث شده نه تنها مشکلات برطرف نشود، بلکه تقاضای جدید و توهم مصرف ایجاد شود. درضمن تقاضاهای جدید مشکلات متعدد را به همراه دارد. برای مثال در فلات مرکزی مشکلات متعدد ناشی از طرح‌های

معادل گاز ۲فاز پارس جنوبی دودمی شود
میزان سوزاندن گازهای همراه نفت به حدود ۵۰ میلیون مترمکعب در روز رسیده است؛ یعنی چیزی معادل دو فاز پارس جنوبی و سرمایه‌ای به ارزش حداقل دو میلیارد دلار در سال!

به گازهایی که از میادین نفت، همراه با طلای سیاه استخراج و از آن جدا می شود، گازهای همراه یا گاز مشعل گفته می شود که هم اکنون حدود ۴۰ درصد این گازها روی مشعل می سوزد؛ از نظر مقدار نیز با رفق تحریم ها و رشد تولید و صادرات نفت، میزان هدررفت گازهای مشعل نیز رشد کرده و به بیش از ۴۷ میلیون مترمکعب در روز رسیده است. این مقدار، حدود دو برابر سال ۱۳۹۱ است. این در حالی است که طبق برنامه توسعه، دولت موظف است تا سال ۱۴۰۰ حداقل ۹۰ درصد از این گازها را استحصال کند. وزیر نفت نیز در زمان ارائه برنامه هایش در مجلس برای دریافت رای اتمت‌امه وعده داد که گازهای سوزانده شده روی مشعل را از صفر برساند. اما اکنون با روشن شدن عملکرد سال ۱۳۹۶، نه تنها از میزان این گازها کاسته نشده، بلکه رشد قابل توجهی نیز مشاهده می شود. « براساس هدف کمی دنرظر گرفته شده برای سال ۹۶، قرار بود میزان سوزانده شدن این گازهای غنی در این سال ۳۰ میلیون متر مکعب در روز کاهش یابد. اما نه تنها این کار تحقق نیافته بلکه میزان گازهای غنی همراه نفت سوزانده شده در سال ۹۶ به ۴۷٫۷ میلیون متر مکعب در روز رسیده است.» اما مشکل کجاست؟

طبق گزارش سازمان برنامه بودجه (گزارش های بررسی عملکرد برنامه ششم توسعه) متأسفانه هیچ کدام از طرح های NGL نهایی نشده است و برنامه های واگذاری همچنان در دستور کار و مرحله انجام است. در این گزارش آمده است: «طی بازدیدهای نظارتی کارشناسان سازمان برنامه و بودجه کشور ان جی ال ۳۲۰۰ غرب کارون به رغم واگذاری و بخش خصوصی متوقف شده زیرا به مدت شش سال متوالی پیشرفت پروژه فقط ۳۲ درصد بوده است». در این باره مرکز پژوهش های مجلس نیز تیرماه امسال در گزارشی ضمن اشاره به دو سیاست گذاری وزارت نفت یعنی واگذاری واحدهای NGL به سرمایه برداران بخش خصوصی و فروش این گازها به سرمایه گذاران بخش خصوصی تصریح کرده بود که نحوه واگذاری واحدهای NGL، دوره فروش گازهای مشعل و سازوکار قیمت گذاری گازهای مشعل و محصولات برای بخش خصوصی محدودیت هایی ایجاد کرده است و خواستار تسهیل این شاخص ها از سوی وزارت نفت شده بود. مهم ترین مشکل نیز قیمت بالای تعیین شده از سوی وزارت نفت و به صرفه نبودن تولید برق از گاز همراه (با توجه به قیمت خرید و فروش گاز توسط نفت و قیمت خرید و فروش تولیدی) اعلام شده بود.به این ترتیب همچنان سرانه چیزی حدود دو میلیارد دلار گاز همراه می سوزد و نه تنها هیچ سرمایه بزرگ از دست می رود بلکه تبعات بسیار زیاد زیست محیطی را هم برای کشور، مخصوصا شهرهای جنوبی ایجاد کرده است.

مدیرعامل شرکت گاز استان اردبیل:

یکصد طرح گازرسانی روستایی اردبیل در دهه فجر افتتاح می‌شود
مدیرعامل شرکت گاز استان اردبیل از تکمیل گازرسانی شهری و تداوم گازرسانی روستایی در این استان خبر داد و گفت: ۱۰۰ روستایی دیگر در دهه فجر امسال از نعمت گاز بهره‌مند می‌شوند.

فیروز خدایی درباره آمار گازرسانی استان اردبیل در آستانه چهلمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی گفت: تا پیش از انقلاب اسلامی حتی یک شهر یا روستا در استان اردبیل گازرسانی نشده بود، اما از سال ۶۸ عملیات گازرسانی در این استان آغاز شد، به گونه‌ای که اکنون صددرصد شهرها و بیش از ۹۰ درصد روستاها از نعمت گاز طبیعی بهره‌مند هستند.

وی تعداد شهرهای استان اردبیل را ۲۹ شهر اعلام کرد و گفت: همه شهرها قابلیت گازرسانی داشتند، همچنین یک هزار و ۶۹۵ روستا داریم که از این تعداد حدود یک هزار و ۴۰۰ روستا قابلیت گازرسانی دارند و اکنون یک هزار و ۱۳۲ روستا گازرسانی شده‌اند. گازرسانی به ۲۵۱ روستا نیز در دست اقدام است که با تکمیل این طرح‌ها، ضریب نفوذ گاز به ۹۸ درصد می‌رسد.

مدیرعامل شرکت گاز استان اردبیل درباره گازرسانی نیروگاهی و صنعتی توضیح داد: تنها نیروگاه استان اردبیل از گاز طبیعی استفاده می‌کند، همچنین یک هزار و ۳۶۰ واحد صنعتی عمده و جزء به شبکه گاز وصل شده‌اند.

وی افزود: دولت تاکید بسیار زیادی بر گازرسانی صنعتی دارد تا اشتغال‌زایی و رفح‌یکاری را به همراه داشته باشد، بنابراین ما و همه شرکت‌های گاز استانی تلاش ویژه‌ای برای توسعه گازرسانی صنعتی داریم. استفاده از مصوبه شورای اقتصاد مبنی بر استفاده صنایع از تسهیلات ۲۴۰ میلیون تومانی نیز تأثیری بسزا در توسعه گازرسانی صنعتی داشته است، بنابراین غیر از صنایع گازرسانی دست اکنون طرح گازرسانی به یکصد صنعت جدید نیز در دست اقدام است. خدایی، طول خطوط انتقال گاز استان اردبیل را ۹ هزار و ۳۵۰ کیلومتر کرده که با اجرای طرح‌های گازرسانی روستایی، این مقدار به بیش از ۱۱ هزار کیلومتر افزایش خواهد یافت. مدیرعامل شرکت گاز استان اردبیل درباره آمادگی این شرکت برای گذراندن فصل زمستان اظهار کرد: عملیات تعمیرات اساسی تابلستان هر سال به منظور رفع ضعف‌ها و رفع‌های شبکه انجام می‌شود. امسال هم اقدام‌های لازم برای رفع‌های ضعف‌های شبکه انجام شد تا زمستان‌های آتی با مشکلی در روند گازرسانی روبه‌رو نشویم. وی با بیان این‌که در چهار سال گذشته هیچ قطعی یا اقت فشاری در شبکه گاز استان اردبیل رخ نداده است، تصریح کرد: به واحدهای صنعتی سراسر استان اردبیل اعلام شده است در صورت افزایش میزان مصرف گاز به بخش خانگی و تجاری برای تبدیل خوراک خود از گاز به سوخت مایع آماده باشند. به گفته مدیرعامل شرکت گاز استان اردبیل، با توجه به عمر شبکه تغذیه و توزیع استان، اجرای عملیات تعویض و نوسازی خطوط گاز ضرورت است، طرح‌های تقویت خطوط و تقواص‌سازی به لزوم مداوم اجرا می‌شوند، زیرا موضوع نگهداری شبکه گازرسانی در هر استان از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. خدایی از برنامه‌ریزی برای افتتاح طرح‌های گازرسانی به ۱۰۰ روستا و تعداد زیادی از صنایع در دهه فجر امسال خبر داد و گفت: در آستانه چهلمین سالروز پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، گام‌های نهایی برای تکمیل گازرسانی شهری و روستایی استان اردبیل برداشته می‌شود تا در آینده نزدیک اردبیل را به عنوان استان سبز معرفی کنیم.